

چراغ قرمز



خطر باز بودن دریچه کولر در فصل سرما

قاتل نامرئی در فصل سرما برای ورود به منزل راه های زیادی دارد که یکی از آن ها دریچه کولر است.مدیرعامل سازمان آتش نشانی از این باره گفت: با شروع فصل سرد،وسایل سرمایشی جای شان را به گرمایشی می دهند و برای ایمنی بیشتر لازم است دریچه کولر با یک پوشش مناسب بسته شود.«مجید گریوانی» افزود: دریچه کولر به دلیل ارتفاع و قطر بیشتر نسبت به ورودی دودکش می تواند کار دودکش را انجام دهد.وی تصریح کرد: با باز بودن دریچه کولر دود و انواع گازها به جای آن که از مسیر دودکش خارج شود، به صورت معکوس عمل می کند و در فضای خانه منتشر و بعد از دریچه کولر خارج می شود.وی خاطرنشان می کند: بهتر است دریچه کولر در فصل سرما با پوشش مناسب بسته تا از پدیده مکش معکوس و خطر گاز گرفتگی جلوگیری شود.«گریوانی» از شهروندان خواست برای اطمینان حاصل کردن از عملکرد مناسب وسیله گرمایشی،بالاترین نقطه اتصال دودکش را با دست تست کنند و از داغ بودن آن مطمئن شوند.

تنتنگر

آیا در پرونده کیفری شاهد را می شود جلب کرد؟

چنین امکانی وجود دارد. از همین رو ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می کند: بازپرس به تشخیص خود یا به معرفی شاکی یا به تقاضای متهم یا حسب اعلام مقامات ذی ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری بداند، برابر مقررات احضار می کند. در ادامه ماده در تبصره یک، امکان جلب شاهد پیش بینی شده است؛ بنابراین در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذرموجهبی نداشته باشد جلب می شود اما در صورتی که عذر موجهبی داشته باشد و بازپرس آن را بپذیرد، مجدداً احضار و در صورت عدم حضور جلب می شود.

آوارگی برای چشیدن طعم خوشبختی

یوسف صدیقی

در خیالش با آدم ها حرف می زند و گاهی می خندد و با دیدن هر پسر بچه ای فکر می کند فرزند خودش است. مواد صنعتی ذهنش را به هم ریخته و از او یک آدم عصبی ساخته است. زن جوان می گوید: ۱۴ ساله بودم که تحت تاثیر حرف های دختر همسایه مان از خانه فرار کردم. نیمه های شب بود که با برداشتن یک دست لباس به دنبال ماجراجویی و تجربه جدید پا در تاریکی گذاشتم. هنوز یک ساعت از فرارمان نگذشته بود که پشیمان شدم اما می ترسیدم به خانه برگردم چون برادرم قییم من بود و نمی دانستم چه جوابی به او بدهم. پدرم قبل از فوتش مصرف کننده مواد و به خاطر این که ساقی بود چند سالی به زندان افتاد. وقتی از زندان آزاد شد و به خانه آمد من و دوستم داخل حیاط مان بودیم که او به اشتباه به جای من دوستم را در آغوش گرفت چون مواد مغزش را از کار انداخته بود و همین ماجرا باعث شد ضربه سنگینی بخورد. پدرم از مواد زده و خسته شده بود و همین اشتباهش مرگ او را رقم زد و صبح روز بعد دیدیم خودکشی کرده است. بعد از فرار با دوستم به یک پارک رسیدیم که دو پسر غریبه انتظار مان را می کشیدند.

دوستم از من خواست چند ساعتی با آن ها باشیم و من به ناچار قبول کردم و با آن ها به بیابان رفتم و شروع به کشیدن سیگاری و قلیان و نوشیدنی الکلی مصرف کردم.

آن دو پسر شیطان صفت دامن پاک مان را آلوده کردند. دیگر از آن به بعد آواره کوچه و خیابان شدیم و هر روز بیشتر در باتلاق هوا و هوس گرگ صفتان غرق می شدیم. حدود یک سالی بین پاتوق ها سرگردان بودیم و مثل یک کالا و توپ بین مردان هوسران دست به دست می شدیم. در این بین با یک پسر دوست شدم او از من خواست همراه دختر همسایه مان نزد چند نفر از دوستانش که از خلاف کارهای سرشناس بودند برویم.

وقتی پا در لانه کفتارها گذاشتم از شدت ترس می لرزیدم اما در عین حال سعی می کردم خونسردی ام را حفظ کنم تا شاید با چرب زبانی بتوانم خودم را از لانه آن ها نجات بدهم. آن ها چهار نفر بودند و یکی از دیگری در خلاف سرت ر بود. وقتی از گذشته ام برای شان گفتم

حدود یک سالی بین پاتوق ها سرگردان بودیم و مثل یک کالا و توپ بین مردان هوسران دست به دست می شدیم



باعث شد به هم وابسته شویم. بعد از مدتی به شرط پاک کردن گذشته سیاهم پای سفره عقد با او نشستم.

شوهرم از همان روز اول اصلاً به فکر خرج زندگی و گرفتن وسایل نبود و دریک خانه بدون امکانات زندگی مشترک مان را شروع کردیم. او فقط وسایل استعمال موادش را جور کرده بودو اصلاً به خواسته هایم توجهی نداشت تا این که یک روز از خانه خارج شد و دیگر برگشت. وقتی دیدم تنها شده ام به ناچار نزد مادرم برگشتم اما او بعد از مدتی ازدواج کرد. دوباره دست از پا درازتر با ابراز پشیمانی پیش برادرم برگشتم. نیش و کنایه عروس مان و همچنین ضرب و شتم برادرم بدجوری من را آزار می داد تا این که او خانه پدری مان را فروخت. به هر شکلی بود ارثم را از برادرم گرفتم و یک خانه برای خودم اجاره کردم و از سمساری مقداری لوازم مستعمل خریدم.

همان موقع بود که متوجه شدم باردار هستم. خیلی ناراحت شدم چون نه از شوهرم خبری بود و نه پستوانه مالی داشتم که از پس زندگی بایرم. بالاخره بچه به دنیا آمد و در این مدت چون به شوهرم قول داده بودم که دست از گذشته سیاهم بردارم به آن پایبند بودم و کسی را به زندگی ام راه نادم. مدام با شماره شوهرم تماس می گرفتم تا شاید پاسخ دهد و بعد از گذشت یک سال این اتفاق افتاد.

هسرم با بی حوصلگی جواب تلفن ام را داد. بعد از گرفتن آدرس جدید به خانه آمد. شب بود

که از راه رسید و زمانی که وارد خانه شد بدون احوال پرسی و دیدن بچه کمربندش را درآورد و به جانم افتاد تا اعتراف کنم پول وسایل و اجاره خانه را از چه کسی گرفته ام.

سر و صورتم خونی شد و یک جای سالم در بدنم نماند تا این که به ناچار خانواده ام را در جریان گذاشتم و برادرم با شوهرم درگیر شدند و قصد شکایت داشتند اما شوهرم من را تهدید کرد اگر کار به دادگاه بکشد هرگز مرا طلاق نخواهد داد برای همین ترسیدم و از خانواده ام خواستم کاری با زندگی ام نداشته باشند و همین ماجرا باعث طرد شدن بیشتر از سوی برادرم شد. از ترس شوهرم خانه ام را عوض کردم. بعد از چند ماه پنهانی زندگی کردن شوهرم دوباره با من تماس گرفت و با حيله و نیرنگ آدرس جدید خانه ام را گرفت و پیش من آمد. صاحب خانه ام یک پسر مجرد داشت و زمانی که شوهرم پیش من آمد از ما خواست برای قلیان کشیدن مهمان او شویم.

همین امر باعث شد شوهرم دوباره توهم بزند و با سیخ داغ به جانم افتاد و دستم را با آن سوزاند تا اعتراف کنم با صاحب خانه ارتباط دارم. از ترس صبح زود زمانی که شوهرم خواب بود از خانه خارج شدم و پیش مادر و ناپدری ام رفتم. یک هفته خانه آن ها بودم ولی وقتی برگشتم دیدم شوهرم وسایل خانه را فروخته و با گرفتن پول پیش فرار کرده است.

آوارگی من تمامی نداشت تا این که نزد مادرم برگشتم اما مادرم من را مزاحم می دانست برای همین از من خواست بچه ام را به یک نهاد حمایتی تحویل بدهم و خودم به کمپ بروم. به ناچار قبول کردم و یک روز پسرم را به یک نهاد بردم و به بهانه ای او را داخل آسانسور گذاشتم و به طبقه بالا فرستادم تا شاید دل کنند از او برایم ساده شود.

صدای گریه پسرم را از طبقه بالا می شنیدم که من را صدا می کرد و دنبال می گشت. با چشمانی پر از آه و اشک از ساختمان خارج شدم و به پارک رفتم و یک سیگاری کشیدم تا غم دوری بچه ام را بهتر تحمل کنم. بعد از آن یک هفته ای بود که صدای گریه و ناله پسرم در گوشم می پیچید و شب ها از خواب می پریدم. الان یک ماه است که با کمک دوستان خواهرم به کمپ آمده ام تا گذشته سیاهم را بتوانم کمی پاک کنم و از شر مواد خلاص شوم.

خانه در شهر

کلاه کلاهبردار تلفنی بر سر شهروند بجنوردی

فردی از طریق تماس تلفنی از اعتماد بی جای شهروند بجنوردی سوء استفاده کرد و سرش کلاه گذاشت.

به گزارش خبرنگار ما یک شهروند بجنوردی مدعی شد: در پی یک تماس تلفنی با دستان خودش یک میلیون تومان به حساب فرد حقه باز واریز کرده است.

او گفت: چند روز پیش فردی با من تماس گرفت و گفت یک میلیون تومان اشتباه به حساب من واریز کرده است.

او افزود: پیامک برداشت و واریز وجه به حسابم غیر فعال است و با عجز و خواهش تماس گیرنده مبنی بر این که هم اکنون نیاز شدیدی به این پول دارم بدون چک کردن حسابم پای عابر بانک رفتم و یک میلیون تومان به حساب او واریز کردم اما پس از چک کردن حسابم متوجه شدم عجز و لایه فرد تماس گیرنده برای سرکشیه کردم بود و من با سهل انگاری و بی احتیاطی مالم را تقدیم او کردم.

خبر



کشف ۵۰۰ کیلوگرم فراورده خام غیر بهداشتی

۵۰۰ کیلوگرم فراورده خام غیر بهداشتی درآشخانه کشف و معدوم شد.براساس گزارش واحد نظارت بر بهداشت عمومی و موادغذایی شبکه دام پزشکی شهرستان مانه و سملقان در بازدید مشترک انجام شده از مراکز عرضه فراورده های خام دامی در شهر آشخانه ۵۰۰ کیلوگرم فراورده خام دامی غیر بهداشتی شامل مرغ خرد شده و منجمد تاریخ مصرف گذشته از یک فروشگاه کشف شد. با توجه به این که محموله مورد نظر قابلیت مصرف انسانی نداشت با دستور دادستان مانه و سملقان و در حضور نمایندگان شبکه دام پزشکی، اداره های تعزیرات، صمت و امکان این شهرستان محموله به صورت بهداشتی معدوم شد.

آگهی تحدید حدود اختصاصی ثبت ملک یک قسمت از بخش ۲ بجنورد- حوزه ثبتی مانه و سملقان

ششدانگ یک باب تاسیسات شرکت گاز به شماره پلاک ۲۱۱ فرعی از ۲۲۲- اصلی واقع در بخش ۲ بجنورد موسوم به قریه حسن سو به مالکیت شرکت گاز استان خراسان شمالی که در روز چهارشنبه مورخه ۱۵/۰۹/۹۷ ساعت ۱۰ صبح در محل شروع و تحدید حدود به عمل خواهد آمد. لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک، صاحبان املاک و دارندگان حقوق ارتفاقی و مجاورین پلاک فوق الذکر به وسیله این آگهی اخطار می گردد که در روز و ساعت مقرر بالا در محل حضور به هم رسانند. چنانچه متقاضی و هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین که نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی حقی برای خود قایل هستند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت و برابر تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی، فقط تا ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورتجلس تحدید حدود، پذیرفته خواهد شد و میبایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد محل،طرف مدت یک ماه اعتراض خود را به مراجع قضایی ذیصلاح تقدیم و گواهی لازم از اداره مزبور به این اداره تسلیم نمایند.
تاریخ انتشار:۱۵/۰۸/۱۳۹۷

بشیرخانی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک مانه و سملقان

۹۷۱۲۵۳۲۳/۹

آگهی تحدید حدود اختصاصی ثبت املاک یک قسمت از بخش پنج بجنورد حوزه ثبتی شهرستان اسفراین

پیرو آگهی قبلی به موجب ماده چهارده قانون ثبت اسناد و املاک تحدید حدود شماره زیر:

قریه حسن آباد قصبه پلاک شمت و پنج (۶۵) اصلی

۱۳۱۱ فرعی مفروز از ۱۱۳ فرعی خانم گلثوم علیزاده فرزند غلام حسن ششدانگ یک باب مغازه در روز پنجشنبه ۰۸/۰۹/۱۳۹۷ ساعت ۹ الی ۱۲:۳۰ قبل از ظهر در محل به عمل خواهد آمد. (در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی) لذا به موجب ماده چهارده قانون ثبت اسناد و املاک به صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی و مجاورین شماره فوق الذکر به وسیله این آگهی اخطار می گردد که در روز و ساعت بالا در محل حضور به هم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشد مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین، تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود ارتفاقی و نیز صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضی ثبتی، معترضین می بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد ظرف مدت یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مراجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم را از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند.
تاریخ انتشار: ۱۵/۰۸/۱۳۹۷

اکبر اقبالی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین

۹۷۱۲۵۱۱۰/۹

اخطاریه ماده ۱۰۱-مورد وثیقه کلاسه ۹۶۰۰۰۳۹

بدین وسیله به آقای عبدالرحمن اربابی (ورثه وام گیرنده و وثیقه گذار طحیه آقابائئی فرزند عبدالرحمن به ش ش ۱ و شماره ملی ۰۷۵۹۷۳۵۸۲۴) فرزند تقی به شماره شناسنامه ۳۲۶۳ و کدملی ۰۷۵۹۲۱۴۷۸۶ صادره از جاجرم ساکن آدرس اظهاری ۱- ایور- خیابان شهدا- کوچه اربابی و ۲-ایور-میدان ولیعصر- مسجد ولیعصر- منزل عبدالرحمن اربابی ابلاغ می شود که در خصوص پرونده اجرایی کلاسه فوق له بانک ملی گرمه علیه عبدالرحمن اربابی (ورثه طحیه آقابائائی) طبق گزارش ۰۷۱۴۸۰۰۷۱۶-۱۳۹۷۰۵۰۰۷۱۵/۵/۹۷ کارشناس رسمی دادگستری، پلاک ثبتی ۳۹۲ فرعی از پلاک ۱۳۷ اصلی در بخش:۷ بجنورد واقع در: درق مورد وثیقه سند رهنی شماره ۱۲۶۳۴-۸۴/۱۱/۲۶-تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۲ گرمه به مبلغ یک میلیارد و چهارصد و چهل و دو میلیون و سیصد هزار ریال(۳۰۰/۰۰۰/۴۴۲/۱ ریال) ارزیابی گردیده، لذا چنانچه به مبلغ ارزیابی پلاک مذکور معترض می باشید، اعتراض کتبی خود را ظرف مدت پنج روز از تاریخ ابلاغ این اخطاریه به ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدیدنظر به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۳ ریال به دفتر این اجرا تسلیم نمایید. ضمناً به اعتراضی که خارج از موعد یا فاقد فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدید نظر باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد و در صورت عدم اعتراض و سپری شدن مهلت مقرر فوق ارزیابی قطعی و عملیات اجرائی جریان خواهد یافت و حداکثر ظرف ۲ ماه از تاریخ قطعییت ارزیابی به برگزاری مزایده نسبت به وصول مطالبات بستانکار به میزان طلب قانونی وی اقدام خواهد شد و به جز آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد.

اردلان محمدی کوشکی-رئیس واحد اجرای اسناد رسمی جاجرم

۹۷۱۲۵۹۴۸/۹